روحانی تنها نیست

مصطفی داننده ● روزنامه نگار

این روزها برخی به دنبال القای این معنا هستند که حسن روحانی در فضای سیاسی کشور تنهاست. آنها می‌خواهند رییس جمهور را ضعیف نشان دهند و بگویند رییس جمهور روحانی روزهای سختی را سپری می‌کند. اما وقتی واقع‌گرایانه به وضعیت سیاسی ایران نگاه کنید، متوجه می‌شوید که روحانی اتفاقا در وضعیت خوبی قرار دارد. شرایطی به مراتب بهتر از خرداد ۹۲.

حسن روحانی در سال ۹۲، ۱۸ میلیون رای را به خود اختصاص داد. او با ۵۰,۷ رای به ریاست جمهوری رسید. این امر باعث شده بود بسیاری از منتقدان «شیخ دیپلمات» را رییس جمهور لب مرزی بنامند. آنها می‌گفتند ۴۹ درصد از رای دهندگان خرداد ۹۲ به روحانی رای ندادند و این نشان از ضعف روحانی دارد.

روحانی اما در سال ۹۶، ۵۷ درصد از رای مردم را به خود اختصاص داد و با ۲۴ میلیون رای برای بار دوم راهی پاستور شد. او امروز با پشتوانه رای قوی می‌تواند برنامه‌های خود را پیش ببرد. گام‌های روحانی بعد از اردیبهشت ۹۶ محکم تر و استوار تر است.

مردم در اردیبهشت ۹۶ به برنامه‌های روحانی در دولت یازدهم، آری گفتند و از رییس جمهور خواستار تداوم آنها شدند. مردم در انتخابات دوازدهم به روحانی گفتند موافق برجام هستند و ادامه آن را برای کشور مفید می‌دانند. بسیاری از مخالفان روحانی در چهار سال گذشته به دنبال القای این معنا بودند که مردم از روحانی خسته شده‌اند. آنها می‌خواستند به گونه‌ای القا کنند که گویی برجام برای جامعه ایرانی هیچ دستاوردی نداشته است.

رای ۲۴ میلیونی روحانی اما حکایت دیگری داشت. ۲۴ میلیون نفر مهر تایید به برنامه‌های روحانی زدند. برنامه‌هایی که در صورت اجرای درست می‌تواند کشور را در مسیر توسعه سیاسی و اقتصادی قرار دهد.

روحانی در سال ۹۲ وقتی به قدرت رسید، مجلس در اختیار اصولگرایان بود. مهم‌ترین مخالفان روحانی در پارلمان حضور داشتند. این مخالفان روزهای سختی را برای روحانی و دولتش رقم زدند. رای ندادن به سه وزیر پیشنهادی روحانی در گام اول، سوال متعدد از وزرا، استیضاح البته دلواپسی هر روزه برای مذاکرات و توافق هسته‌ای نمونه بارز مشکلات روحانی با مجلس نهم بود.

امروز اما مجلس با سیاست‌های روحانی همراه است. بسیاری از نمایندگان مجلس حامی دولت دوازدهم هستند. در روزهایی که اصولگرایان در حال القای تک دوره‌ای شدن روحانی بودند ۱۷۰ نماینده با حسن روحانی دیدار و از او حمایت کردند.

روحانی دیگر سختی‌های روزهای دولت یازدهم در تقابل با مجلس نهم را ندارد. او می‌تواند وزرایی را که در مجلس نهم نمی‌توانست وارد دولت کند، به راحتی و با همراهی مجلس به کابینه وارد کند. روحانی می‌تواند به واسطه همراهی مجلس دولتی همسو را تشکیل دهد.

همانگونه که مشاهده می‌کنید اوضاع روحانی بهتر از سال ۹۲ است. فضای پیش رو فضای امید است؛ امیدی که مانند یک پازل می‌تواند در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ تکمیل شود./ منبع: عصرایران

اندر احوالات شیخ حسن

ایوب ابراهیمی ● فعال فرهنگی

فصلی خواهم نوشت در حکایت مردی محتشم و فاضلی مکرم و مرا زین مدحت، تقریر حسنات و تدوین کرامات او، بدان سان که اوست و خدای عزوجل فرماید، در نظر باشد. بر آنم تا روایتی جز به راستی ننمایم و سخنی به گزاف نرانم و من امروز آنچه در احوال «شیخ حسن روحانی» گویم چنان است که از گلستان معرفتش گلی بویم و باری به شاخه گلی گلستانی کشف نشود. اوصاف اوتاد را به اکمل، بنده، نتواند به بند کلمات آورد مگر بنده نواز بی‌مانند. «سیرت شیخ» را در حکایت مردمان بدیدم که چنین فضلش را واجب دانستم نگاشتن. «آمالش» در آینه عملش هویدا باشد و «عیارکمالش» پیش همه عیان. غواص بحر سیاست است و بر فراز قله فراست مقیم. چون خلق به صدارتش بنشاندند عهد بست به داد و چنان کرد. دولت و جاه به آن داد که سزد، نه آنکه مکنت خلق را سوزد و غیرعالم را مقامی میسور نشود مگر به خواب! فرودستان که پیشتر اندیشناک «خوان اطعام» شدند از دولت شیخ انعام بگرفتند و کافه خلق خدای را شکر کردند و بنده را سپاس. «شیخ حسن» از اعاظم دوران و اکابر زمان است. به سرانگشت تدبیر تهدید ملک ترفیع بنمود و اکناف پارس را به عزت پاس داشت. پارسیان اندر ملک خویش و اقالیم دگر قدر یافتند و منزلت فزون‌تر شد. عالمان به مکنت منعم شدند و بیرق دانایی بیش علم شد و حرمت قلم بس افزون.

در بوستان این ملک، خس کژی برکَند و نهال راستی را تیمار بفرمود. آن محتشم را از «اعلی» و«اضل صفات» آدمیزاد پرسیدند. گفتا: در طریقت ما فراتر از صدق حسنی و فروتر از کذب، سببی عظیم نباشد. چون آن بر کردار مردمان «نافی ریب» است و این خاطیان را ستار عیب. در عالم کذب خطاکار جامه فریب پوشد و به ریا کوشد و جز خدا کس نداند که ذاتش چیست و این نه آن است که اوست.

شیخ را منش بر تسامح، استوار بود و طینتش از ترشرویی به‌دور. کسی ندید که شیخ ما بر مرکب عصبیت سوار شود و پای در رکاب تندمزاجی نهد! و جز مهر، قهری در وجودش موکد نباشد و این را از صفت رحمانیت حق سبحان به عاریت داشت. چنانکه باران خدای بر شوره‌زار وگلزار بارد و یکی را فزونی یا کاستی سهم ندهد و جز به این اوصاف کس به کمال نرسد و اسباب بزرگی فراهم نشود. در آسایش مردمان بسیار کوشید. چون بنده‌ای را در تعب بدیدی اندوه بسیار خوردی و نیاسودی مگر خلق بیاسایند. به هر دیار که برفتی حشم وخدم انبوه نبردی و عزم بر رفع کاستی بنمودی...

مخاطب این بایدها خود آقای روحانی هستند

حجت الاسلام سید مرتضی حجت نجفی

رهبر معظم انقلاب در واکنش به سخنان رئیس‌جمهور در دیدار با مسئولان عالی رتبه نظام در مورد کارهایی که باید انجام بگیرد، فرمودند: "مخاطب این بایدها خود آقای روحانی هستند نه هیچ کس دیگر!"

همواره یکی از بحران‌هایی که مدیریت بخش اداری کشور در تمام ادوار با آن مواجه بوده،فرافکنی و انداختن مسئولیت امور بر گردن دیگری بوده است.

آنچه از روح قانون اساسی و مُرِّ اصول آن ازجمله اصل ۱۱۳ بر می‌آید این است که رئیس دولت همواره مسئول اجرای قانون اساسی است و پس از رهبر معظم انقلاب، عالی‌ترین مقام کشور است از این رو به شایستگی پیداست که هر گونه کوتاهی در این مهم متوجه شخص ایشان است.

از به کار بردن اصطلاح آتش به اختیار و مخاطب قرار دادن رییس جمهور در انجام بایدها که در بیانات مقام معظم رهبری شنیده شد اینگونه استنباط می‌گردد که رهبری عزیز به صورتی شفاف و صریح با یادآوری مسئولیت‌ها و اختیارات رییس جمهوری منتخب ملت، ایشان را در جایگاهی می‌بینند که الزامات و تعهدات زیادی از ناحیه قانون اساسی، مردم و رهبری متوجه ایشان است.

این خطاب باید رئیس جمهور محترم را بیش از پیش در حسن اجرای قانون اساسی، مطالبات مردم و رهبری مصمم تر نماید.

بدیهی است که از این به بعد هیچ گونه عذری از ریاست محترم جمهوری مبنی بر عدم اجرای قانون اساسی پذیرفته نبوده و لازم است ایشان با درایت و هوشیاری بیشتر، موانع اجرای قانون را رفع نموده و با صراحت و شفافیت مردم و رهبری فرزانه انقلاب را از جریان امور مطلع نمایند.

بی‌گمان روزهای سخت اما امیدوار کننده‌ای پیش روی رئیس جمهور و یارانش خواهد بود و یقیناًملتی که با حماسه حضورشان، دکتر روحانی و گفتمان عدالت و اصلاحات را تأیید و انتخاب کرده اند منتخبشان را تنها نخواهند گذاشت و در تداوم حمایت از ایشان دریغ نخواهند نمود.

چالشهای فرهنگی و آموزشی افراد دارای معلولیت در جامعه اطلاعاتی

رها طاهری ● دانش آموخته حقوق ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبایی

دیربازی است که فعالیت‌های پژوهشی‌ام را در دانشگاه به حقوق افراد دارای معلولیت اختصاص داده‌ام اما نتیجه‌ای که در این سالها گرفته‌ام این است که بزرگترین مشکل افراد دارای معلولیت محدودیت‌های جسمانی آنان نیست بلکه نگرش‌های تبعیض آمیز و حذف مدارانه نسبت به آنان می‌باشد افکاری که افراد دارای معلولیت را ناتوان می‌انگارند با هر یک از افرادی که سخن گفتم اعم از چشم پزشک، دانشجو استاد و غیره به عنوان همدردی در پاسخم گفتند در حال حاضر افراد سالم هم مشکل دارند چه رسد به معلولان آیا میان افراد به اصطلاح آنان سالم با دارای معلولیت تفاوتی وجود دارد؟ که ابتدا باید مشکلات ایشان را حل نمود بعد به سراغ معلولان برویم آیا واقعا نمی‌شود مشکلات همه مردم جامعه را در کنار یکدیگر مرتفع نمود زیرا که مشکلات یکی است و درمان هم تا حدود زیادی یکی است طی مطالعات تطبیقی در زمینه حقوق افراد دارای معلولیت دریافتم که کشورهای پیشرو در این زمینه حین قانونگذاری مطلبی کلی را بیان نموده و بلافاصله تدابیر مربوط به اقشار آسیب پذیر یعنی زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت را نیز در ادامه آن بیان می‌کنند. لذا بر آن شدم تا با نوشته‌های مختلف از طریق رسانه‌ها که بیشترین سهم را در آگاه‌سازی جامعه دارند به مداقه در این زمینه پرداخته و دوشادوش افراد دیگر این مشکل اجتماعی را حل نماییم هنگامی که نام فردی دارای معلولیت بر زبان جاری می‌شود نخستین واژه که به ذهن افراد می‌رسد بیچاره، بدبخت آخ آخ است ولی آیا واقعا افراد دارای معلولیت بیچاره و بدبخت هستند؟ باید بیان نمود همان مشکلاتی که دیگر افراد در اجتماع دارند از قبیل اشتغال، مسکن، ازدواج، آموزش و سرگرمی و غیره افراد دارای معلولیت نیز با همان مشکلات سرکار دارند راه حل آن نیز تا حدود زیادی میان همه مشترک است در این نوشته قصد واکاوی تمامی مشکلات افراد دارای معلولیت را نداشته چرا که مثنوی هزار من است و فرصت اندک، بنابراین برآنیم که دریابیم افراد دارای معلولیت برای ورود به جامعه اطلاعاتی با چه مشکلات فرهنگی روبه‌رو هستند؟ به ویژه امروزه با شدت گرفتن ارتباطات مجازی تمامی کاربران به نوعی یک خبرنگار غیرحرفه‌ای محسوب می‌شوند ولی باز هم اهمیت رسانه‌های سنتی و الکترنیکی به قوت خود باقی است و در جامعه اطلاعاتی افراد دارای معلولیت به کمک تکنولوژیهای اطلاعاتی و ارتباطاتی به راحتی می‌توانند در کنار دیگر افراد وظایف شهروندیشان را انجام دهند حال رسانه‌ها باید سیاستگذاری بدون تبعیضی در حمایت از مخاطبان خود مانند جامعه توانخواه داشته باشند شکاف دیجیتال جامعه را به دو گروه دارندگان اطلاعات و محرومان از اطلاعات تقسیم می‌نماید که اقشار آسیب پذیر (زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت) بیشترین جمعیت آن را تشکیل می‌دهد در این میان افراد دارای معلولیت وضعیت بدتری را تجربه می‌کنند چرا که اساسا نه اطلاعاتی با موضوعیت آنان ایجاد می‌شود نه اطلاعات موجود برای آنها مناسب سازی می‌شود.

تکنولوژی‌های نوین به افراد دارای معلولیت کمک می‌کنند تا بر ضعف جسمانی خویش غلبه نمایند و دوشادوش دیگر افراد جامعه گام بردارند، حال سوال اصلی اینجاست که آیا در ایران برای افراد دارای معلولیت این آموزش‌ها به راحتی قابل دسترس است یا خیر؟ سازمان‌ها و ادارات مرتبط با افراد دارای معلولیت آیا طرز استفاده از نرم‌افزارهای مورد استفاده این افراد را آموخته اند؟ در پاسخ باید گفت که در نظام آموزش و پرورش تحصیلی بنا به استانداردهای بین المللی و به خصوص آموزش دیجیتالی افراد دارای معلولیت جایگاه حقیقی خود را پیدا نکرده و سازمان فنی حرفه‌ای کشور نیز اساسا به آموزش افراد دارای معلولیت اشاره نکرده است و هیچ‌گونه آموزش رسمی در هیچ زمینه به افراد دارای معلولیت داده نمی‌شود آیا مسئولان در میان انبوه آموزشگاههای ریز و درشت شهرها حتی یک آموزشگاه را برای افراد دارای معلولیت تجهیز نموده اند پاسخ این سوال هم منفی است یک فرد دارای معلولیت اگر بخواهد اوقات فراغت خویش را در یک زمینه خاصی پر کند هیچ آموزشگاهی توان ارایه آموزش به او را ندارد و آنها یا باید به آموزشگاه‌های مدارس کودکان استثنایی رجوع کند که تعداد آنها انگشت‌شمار است و البته آموزش‌های آن نیز محدود است یا باید به آموزشگاهای دیگر رفته و با تلاش دوچندان از استاد خویش تعلیم بگیرد ولی اگر افراد با حداقل‌های پدیده معلولیت آشنا باشند بسیاری از مشکلات قابل حل خواهد بود و افراد دارای معلولیت به طور خودجوش و با روشهای بسیار محدود نسبت به آموزش همنوعان خویش اقدام می‌نمایند امروزه در بسیاری از کشورهای جهان آموزش نه تنها رایانه بلکه جامعه اطلاعاتی به طور اجباری از مقاطع ابتدای آغاز می‌شود و برای افراد با مشکلات جسمی و روانی نیز در کنار دیگر دانش‌آموزان از طریق نرم‌افزارهای مخصوص آنان به تعلیم و تربیت این افراد می‌پردازند. همچنین تولید محتوای مفید و موثر در فضای مجازی به زبان فارسی بسیار کم است این نکته برای محتوای موردنیاز افراد دارای معلولیت بسیار پررنگ‌تر است به طور مثال اگر واژه حقوق معلولان را در فضای مجازی جستجو کنیم مطالبی تکراری به دست می‌آوریم که احتمالا نیاز فرد را نیز نتواند تامین کند و به پرسش‌های او پاسخی قانع کننده دهد.

شاید علت این امر را هم کمبود تحقیق و پژوهش لازم و محتوا سازی میان اهل فن دانست یکی دیگر از فرهنگ‌های ناصواب این است که استدلال می‌شود در حال حاضر حتی برای افراد سالم نیز این امکانات به درستی مهیا نیست چه رسد به معلولان. این خود نشانگر آن است که فرهنگ تبعیض نسبت به افراد دارای معلولیت در میان صاحبان این نگرش وجود دارد و از نظر آنان در ابتدا باید زمینه برای افراد سالم مهیا باشد بعد به دیگر افراد توجه شود؛ فرهنگی که سبب می‌شود افراد دارای معلولیت را شهروند درجه چندم محسوب کنند و از اولویت حذف گردد. مشکل‌سازتر و دشوارتر از مبارزه علیه غفلت سازمان‌ها و دولت، مبارزه ریشه‌دار و فراگیر رایج میان مردم علیه معلولان است. مدیر مؤسسه ملی تحقیق درباره معلولان آمریکا می‌گوید: "این مسئله مانع بزرگی بر سر راه افراد معلول است و از بین بردن آن نیز کار بسیار سختی است". باورهای تحقیرآمیز و سرکوب‌گرایانه و شاید هم حذف مدارانه در سطح جامعه در تمام زمینه‌ها اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سبب شده که به افراد دارای معلولیت به عنوان یک فرد مصرف‌کننده و ناتوان نگاه شود بنابراین لزومی به حضور آنها در مشاغل امور سیاسی و اجتماعی نیست.

پس نیازی نیست که این افراد به اطلاعات دسترسی داشته باشند و مسلما تصور می‌کنند معلولان را چه نیاز است تا به امکانات تکنولوژیکی دست یابند بنابراین رفع نیاز آنها بعد از حل تمامی مشکلات افراد دیگر خواهد بود.البته کتابخانه‌ها هم به عنوان موسسات بی مصرفی برای این افراد درآمده به این خاطر که یا موانع فیزیکی مانع ورود توانخواهان می‌شود یا عدم وجود کتابهای مناسب نابینایان آنان را از قطبهای علمی کشور محروم نموده است. کشور آمریکا حدود یک قرن قبل کتابخانه پارلمان را ملزم به تولید کتابهای صوتی به میزان قابل توجهی نمود یا اینکه در اتحادیه اروپا گذاردن کتابها و اسناد مندرج در ادارات دولتی در قالبهای الکترونیکی (word, html txt) مناسب جهت استفاده نابینایان الزامی گردیده است همچنین در زمینه حق بر اینترنت شرکتهای ارایه دهنده اینترنتی را مکلف نموده است تا نیازهای افراد دارای معلولیت را بلافاصله تامین نمایند.در کشور ما نیز پدیده کتابخانه‌های دیجیتالی در مراحل بدوی خود به سر می‌برند پایگاه‌هایی مانند نور برای استفاده نابینایان بسیار مناسب است.

امروزه رسانه‌ها به عنوان قوه چهارم حکومت‌ها در شکل گیری افکار عمومی نقش سازنده‌ای را ایفا می‌نمایند. اما به راستی در حال حاضر رسانه‌ها اعم از سنتی و مدرن در بهبود وضعیت حقوق افراد دارای معلولیت چه تاثیری دارند؟؟ آیا افراد دارای معلولیت به اطلاعات موجود این رسانه‌ها دسترسی دارند؟ آیا در میان سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان رسانه‌ها دسترسی افراد دارای معلولیت به اطلاعاتشان مدنظر قرار داده شده است؟

باید بیان کرد که متاسفانه رسانه‌ها نقش خود را در ارتقای فرهنگ جامعه نسبت به افراد دارای معلولیت از یاد برده و نه تنها دولت را در زمینه احیای حقوق افراد دارای معلولیت به چالش می‌کشند بلکه خود نیز هیچ گونه توجهی به این نکته نمی‌کنند که باید برنامه‌ها و اطلاعاتشان را برای افراد دارای معلولیت دسترس‌پذیر نمایند.

رسانه‌ها می‌توانند ستونی را به افراد دارای معلولیت نه هر روز بلکه در هر هفته اختصاص دهند یا اینکه در مصاحبه و مقالات خویش در زمینه‌های مختلف افراد دارای معلولیت را نیز مد نظر قرار دهند این نه نیاز به سرمایه‌های کلان دارد نه اطلاعات پیچیده علمی و فنی، در حال حاضر اکثر برنامه صدا و سیما فاقد زیر نویس یا مترجم به زبان اشاره می‌باشد همچنین پر واضح است که رسانه صدا به هیچ وجه نمی‌تواند با عزیزان ناشنوا ارتباط برقرار نماید و رسانه تصویر نیز این افراد را در درک بهتر برنامه‌های خود یاری نمی‌دهد

امروزه رسانه‌ها به عنوان قوه چهارم حکومت‌ها در شکل گیری افکار عمومی نقش سازنده‌ای را ایفا می‌نمایند. اما به راستی در حال حاضر رسانه‌ها اعم از سنتی و مدرن در بهبود وضعیت حقوق افراد دارای معلولیت چه تاثیری دارند؟؟ آیا افراد دارای معلولیت به اطلاعات موجود این رسانه‌ها دسترسی دارند؟ آیا در میان سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان رسانه‌ها دسترسی افراد دارای معلولیت به اطلاعاتشان مدنظر قرار داده شده است؟

بدین گونه جامعه ناشنوا از مخاطبان صدا و سیما کنار گذاشته می‌شود و بسیاری دیگر از برنامه‌ها تصویری بوده و هیچ‌گونه توضیح در مورد تصاویر داده نمی‌شود، این در حالی است که در بیشتر شبکه‌ها و وب سایت‌های کشورهای اروپایی اگر تصویر در ذیل مطالب گذاشته شود حتما توضیح مختصری از تصویر جهت آگاهی نابینایان و کم‌بینایان داده می‌شود. مطابق ماده (۱۲)قانون جامع حمایت از معلولان صدا و سیما مکلف است هفته‌ای دو ساعت به افراد دارای معلولیت اختصاص دهد هرچند که بسیار کم است ولی اگر رسانه صدا و سیما به همان میزان هم پایبند باشد در رفع مشکلات توانخواهان موثر خواهد بود. مشکل دیگری که وجود دارد این است که رسانه‌ها در القای تلقین‌های منفی نسبت به افراد دارای معلولیت امروزه بسیار تاثیر گذار می‌باشند به طور نمونه در کارتون‌ها می‌بینیم که دزدان دریایی همیشه یک چشم و یک پا ندارند یا در برنامه‌های طنز افرادی وجود دارند که دچار لکنت زبان بوده و یا اصطلاحا شیرین می‌زنند یا در دیالوگ‌های معمول بازیگران، مجریان و مسئولان واژگان کور، کر برای بیان عدم توانایی فرد مدنظر نسبت به درک موضوعات بسیار به کار می‌رود و با بروز پدیده فضای مجازی این فرهنگ نا مناسب بیش از بیش رونق گرفته است.اینها خود به مخاطب به طور غیرمستقیم القا می‌نماید که معلولیت چیز بدی است معلول نمی‌فهمد چون کور است یا کر است یا اینکه طرف در مقابل کار بدی که انجام می‌دهد به عنوان عذاب دچار معلولیت می‌شود یا معلول نیکوکار در پایان به طور کامل سلامت خود را به دست می‌آورند و از پدیده شوم معلولیت رهایی می‌یابند. وجود این تلقینات سبب پیدایش این نگرش نیز می‌شود که در عالم واقع نیز جامعه افراد دارای معلولیت را مانند همان شخصیت‌های تلویزیونی کم اهمیت و بی مصرف بدانند. ایجاد این نگرش که معلولیت نقص نیست بلکه یک تفاوت است در میان جامعه و حتی خود افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آنها شاید مهم‌ترین گامی است که در جهت بهبود وضعیت حقوق افراد دارای معلولیت می‌توان برداشت. تقویت این فرهنگ که افراد دارای معلولیت به ترحم نیاز ندارند و تنها باید با آنان بر اساس عدالت و تساوی برخورد کرد به طور حتم زمینه را برای این فراهم می‌کند که قانونگذار در تدوین قوانین و مامورین اجرا در حین اجرا به نیازهای افراد دارای معلولیت توجه داشته باشند حتی اگر این افراد توسط ارکان حکومت نادیده انگاشته شدند افراد جامعه خودشان به حقوق این افراد احترام بگذارند در این صورت است که افراد دارای معلولیت به طور مسلم به اطلاعات و ارتباطات دسترسی خواهند داشت رسانه‌ها نیز از آنجا که نگهبانان جامعه محسوب می‌شوند و به عبارتی چشم و گوش مردم می‌باشند در شکل‌گیری نگرش افراد می‌توانند مثمرثمر واقع شوند و نسبت به مسائل معلولان آشنا بوده و مشکلات آنها را به عنوان چالش‌های پیش‌روی کشور برجسته و مطرح نمایند.

مهارت صرف وقت و انرژی برای کارهای زیربنایی

حسن اسدی

می خواهم بدون کمترین روده درازی و با ارائه پرسشی دوستان را متوجه اهمیت فراگیری این مهارت کنم و آن سوال اینکه

در نظر شما اهمیت کدام موضوع برای پیگیری و نشان دادن حساسیت بیانی و عملی مهم‌تراست؟

۱- مسئله حضور زنان در ورزشگاه‌ها

۲- مسئله گور خوابی

یا

۱- راه اندازی جشنواره‌های گلریزان برای آزادی زندانیان و یا پختن آش برای جمع آوری کمک جهت امور خیریه

۲- مشارکت در نظارت و راه‌اندازی فرآیندهای نظارتی بر انتخاب مسئولان مثل شهردار یا تشکیل کمیسیون‌های فنی و حرفه‌ای در شورا

دوستان به این موضوع توجه داشته باشند که من عرض کردم کدام موضوع برای پیگیری مهم‌تر است و باید برای آن اجتماعات بزرگتری تشکیل شود نه اینکه یکی ازآنها اهمیتی ندارد زیرا که بسیاری از دوستان به این مهم توجه نمی کنند و به چیزی حساسیت نشان می‌دهند که فکر می‌کنند اگر اولی تر نباشد حداقل کم هزینه تر است برای مثال:

در شهری چون ابهر آنجا که موضوعی چون نظارت بر عملکرد مسئولان پیش می‌آید یا از دانش‌آموختگان خواسته می‌شود که برای مشارکت در شکل دهی به سرنوشت سیاسی شهر وقت بگذارند و انرژی صرف بکنند گویی که آنها را آویزان کرده‌ای و یا اگر گام پیش بگذارند خدای ناکرده اتفاقی خاص خواهد افتاد اما زمانی که به آنها گفته می‌شود برای آزادی زندانیان بلا تقصیر گلریزان راه بیندازند نه تنها گروه‌های ده نفری بلکه گروه‌های هزاران نفری تشکیل می‌شود در حالی که بسیاری از زندانیان بلاتقصیر از جمله افرادی هستند که تنها از محل عدم وجود نظارت مردم بر روند انتخاب مسئولان یا بی برنامه بودن وبی توجهی آنان به امور مردم دچار این بلا شده اند وای بسی که با نظارت بر عملکرد مسئولان بخش بزرگی ازاین افراد اصلا راهی زندان نشوند

یا در سطح کشور دوستانی بلند می‌شوند و مثلا برای ممانعت از رفتن زنان به ورزشگاه‌های کشور که به نوعی تحت فشار و اولتیماتوم نهادهای ورزشی جهانی دولت مجبور به باز کردن در به روی زنان بوده است تومار امضاء می‌کنند و تهدید می‌نمایند که اگر دولت بی توجهی کند خود آنان وارد عمل خواهند شد و بی توجه به تبعاتی که دامنگیر دیپلماسی ورزشی کشور خواهد شد از ورود زنان جلوگیری خواهند کرد در حالی که همین افراد روزانه هزاران کودک و زن را در سر چهارراه‌ها مشاهده می‌کنند که در میان هزاران تهدید به فروش گل و...اقدام می‌کنند اصلا به روی خودشان هم نمی آورند و با تهیه توماری یا بهره برداری از فضای خاصی کسی را تهدید نمی کنند و یا در مقابل پدیده گور خوابی زحمت پیگیری موضوع را به خودشان نمی دهند.

در سطح کشور دوستانی بلند می‌شوند و مثلا برای ممانعت از رفتن زنان به ورزشگاه‌های کشور که به نوعی تحت فشار و اولتیماتوم نهادهای ورزشی جهانی دولت مجبور به باز کردن در به روی زنان بوده است تومار امضاء می‌کنند و تهدید می‌نمایند که اگر دولت بی‌توجهی کند خود آنان وارد عمل خواهند شد و بی توجه به تبعاتی که دامنگیر دیپلماسی ورزشی کشور خواهد شد از ورود زنان جلوگیری خواهند کرد در حالی که همین افراد روزانه هزاران کودک و زن را در سر چهارراه‌ها مشاهده می‌کنند که در میان هزاران تهدید به فروش گل و...اقدام می‌کنند اصلا به روی خودشان هم نمی آورند

به راستی آیا دلایل متقنی وجود دارد که دیگر نه در کشور و نه در تهران بلکه در همان منطقه‌ای که قبلا پدیده گور خوابی کشف شد الان گور خوابی وجود ندارد وهمه گور خواب‌ها نه به گورهای دیگر بلکه به خانه‌های امن فرستاده شده‌اند؟